



سوره مبارکه فاطر

جلسه سوم: ۹۲/۷/۱۶

- بیان شد، حضرت علامه دسته دوم آیات سوره مبارکه فاطر را در اثبات توحید دانسته‌اند.

- ادامه آیات:

- آیه ۱۳: کسانی که غیر از خداوند در عالم می‌خوانید حتی به اندازه پوسته خرما هم قدرت و مالکیت ندارند. پس اگر آنها را بخوانید اصلاً نمی‌شنوند. حتی اگر بشنوند هم قطعاً نمی‌توانند شما را اجابت کنند ضمناً در روز قیامت هم اعلام برائت می‌کنند از اینکه شما آنها را مایه اسباب اصلی گرفتید.

- اصلی‌ترین مطلبی که در این دسته از آیات جمع‌بندی می‌شود این است که اگر کسی ۸ آیه اول را بپذیرد یعنی اگر وساطت ملائکه و قدرت خدا را در فتح و امساک بپذیرد و علی‌الاطلاق بودن خدا را بپذیرد، معنی ندارد نیازش را از غیر خدا بخواهد (تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ).

- «دعا از غیر خدا داشتن» یعنی فرد از اسباب استفاده می‌کند بدون در نظر گرفتن خدا. مثال: کسی که نزد دکتر می‌رود اما خدا را سبب شفا می‌داند، دکتر را ابزار تحقق شفای الهی می‌داند. چنین کسی شفای الهی را در هیچ حالتی محدود نمی‌داند یعنی می‌داند که دکتر از پیش خود نه می‌تواند شفا دهد و نه می‌تواند شفای کسی را تغییر دهد. بنابراین اگر دکتر بنا به هر دلیلی نتوانست، بیمار از جریان رحمت الهی ناامید نمی‌شود.

- خواندن خدا به معنی این نیست که ما اسباب را از کار بیندازیم بلکه سراغ اسباب می‌رویم اما از اسباب هیچ اثر مستقلاً نمی‌بینیم. یعنی می‌شود که کسی بیکار شود ولی رزقش برسد یا کسی دکتر نرود ولی شفا پیدا کند. اسباب هیچ اثر استقلالی‌ای ندارند.

- تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ: یعنی انسان از چیزی غیر خدا انتظار اثر دارد تا نیازی از او را برطرف کند و این در حالی است که هر آنچه غیر خداست از مداد گرفته تا تکنولوژی، مالک هیچ چیزی نیستند.

- اگر انسان برای دستیابی به تکنولوژی روی بعضی از احکام خدا پا بگذارد به این معناست که می‌پندارد تکنولوژی می‌تواند او را خوشبخت یا بدبخت کند. توانا یا ناتوان کند.

- انسان‌ها در هر مکتبی که باشند تا حدی گزاره‌های حق که فطری هستند را می‌فهمند.

- حضرت علامه آیات ۱۵ تا ۲۶ را دسته چهارم در نظر گرفته‌اند.

دسته چهارم آیات ۱۵ تا ۲۶:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (۱۵)

ای مردم! شما به خدا نیازمندید، و خداست که بی‌نیاز و ستوده است.

إِنْ يَشَأْ يُدْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ (۱۶)

اگر بخواهد، شما را می‌برد و خلق جدیدی می‌آورد.

وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ (۱۷)

و این [امر] برای خدا دشوار نیست.

وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَإِنْ تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ جِهْلِهَا لَا يُحْمَلْ مِنْهُ شَيْءٌ وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ إِنَّمَا تُنذِرُ الَّذِينَ يُحْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَمَنْ تَزَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ

لِنَفْسِهِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ (۱۸)

و هیچ گناهکاری، بار [گناه] دیگری را بر دوش نمی‌کشد، و اگر [شخص] گرانباری [دیگری را] برای حمل بار گناه خود بخواند، چیزی از آن برداشته نمی‌شود، هر چند خویشاوند باشد. تو تنها کسانی را که در نهان از پروردگارشان می‌ترسند و نماز برپا داشته‌اند هشدار توانی داد. و هر کس پاکیزگی جوید، تنها برای خود پاکیزگی می‌جوید، و فرجام [همه] به سوی خداست.

وَ مَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَ الْبَصِيرُ (۱۹)

و نابینا و بینا یکسان نیستند.

وَ لَا الظُّلُمَاتُ وَ لَا النُّورُ (۲۰)

و نه ظلمت‌ها و نه روشنایی.

وَ لَا الظُّلُّ وَ لَا الْحَرُورُ (۲۱)

و نه سایه و نه گرمای آفتاب.

وَ مَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَ لَا الْأَمْواتُ إِنَّ اللَّهَ يَسْمَعُ مَنْ يَشَاءُ وَ مَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَنْ فِي الْقُبُورِ (۲۲)

و نه زندگان یکسانند و نه مردگان. همانا خدا هر که را بخواهد شنوا می‌کند، و تو کسانی را که در گورهایند شنوا نتوانی کرد.

إِنْ أَنْتَ إِلَّا نَذِيرٌ (۲۳)

تو صرفاً [یک] هشدار دهنده هستی.

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا وَ إِنَّ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ (۲۴)

ما تو را به حق، بشارتگر و هشدار دهنده فرستادیم، و هیچ امتی نبوده مگر این که در میان آنها هشدار دهنده‌ای گذشته است.

وَ إِنْ يَكْذِبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَ بِالزُّبُرِ وَ بِالْكِتَابِ الْمُنِيرِ (۲۵)

و اگر تو را تکذیب کنند، قطعاً کسانی که پیش از آنها بودند [نیز] به تکذیب پرداختند پیامبرانشان دلایل آشکار و نوشته‌ها و کتاب روشنگر برای آنها آوردند.

ثُمَّ أَخَذْتُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ (۲۶)

آن‌گاه کسانی را که کافر شدند، گرفتار کردم، پس [بنگر] چگونه بود عقوبت من؟

- اگر کسی حاق ۸ آیه اول را بفهمد این حقیقت در او شکل می‌گیرد که کل ناس فقیر خدا هستند. انسان، مطلق فقر است و خدا مطلق غناست. هر آنچه که به انسان نسبت داده می‌شود عطای خداست حتی صفات کودکانه و یا صفاتی مانند هلو، عجول و اگر انسان رشد کند عطای خدا را کامل دریافت می‌کند و به جای عجول شدن، سابقات می‌شود و

- ائمه نیز در دعاهایشان خود را ظالم به نفس و تعبیراتی اینچنینی می‌دانند زیرا آنها علم دارند که هر آنچه نزد آنهاست مال خودشان نیست.

- هیچ کس قدرت شکست دادن خدا را ندارد و کسی نمی‌تواند خدا را خسته کند.

- انسان باید در تمام شئونات بفهمد که هیچ چیز دست خدا نیست و یا کافر و مؤمن فرق دارند و

- درک تفاوت خداوند با غیر خدا بسیار مهم است. هیچ تفاوتی در عالم به شدت این تفاوت نیست. خدا غنای محض است و انسان فقر محض.

- خدا «هست» است و انسان هستی دارد. خدا «دارد» و انسان، «ندارد». خدا «نور» است و انسان «ظلمت».

- کسی که اعتقادات حقه دارد ولی اشتباهاتی در اعمالش دارد با کسی که اعتقادات حقه ندارد بسیار فرق می‌کند.

- یکی از چیزهای بسیار مهم که ما در زندگی به آن اهمیت نمی‌دهیم موضوع «تمایز» است.

- اصلی‌ترین کار عقل «بیان» است و اصلی‌ترین کار بیان، «تمایز» است.

- کار عقل این است که در هر موقعیتی حق و باطل، خیر و شر، حُسن و قبح، ایمان و کفر و ... را از هم جدا کند و تمایز دهد.

- کودکانی که به سن تکلیف می‌رسند یعنی می‌توانند تمایز دهند. قدرت تمایز در آنها ایجاد شده است.

- تعریف نذیر از سوره مبارکه فاطر: نذیر کسی است که با ایجاد تمایز در انسان در او حیات جاری می‌کند. خداوند به کسی می‌گوید زنده، که قدرت تمایز داشته باشد. به همین علت بلوغ از نظر اسلام، حیات جدید انسان است.
 - این حیات گوش فرد را «شنوا» می‌کند، شنوا شدن باعث می‌شود بتواند حرف رسول را بشنود.
 - یعنی اصل تمایز را در انسان «نذیر» فعال می‌کند گوش فرد شنوا می‌شود، می‌تواند تمایزها را از رسول بشنود.
 - «رسول» و «نذیر» دو مقام مختلف هستند. رسول به ما محتوای تمایزات را می‌گوید. مانند چه چیزی «طیب» است و چه چیزی «خبیث» و ... نذیر انسان‌ها را زنده می‌کند تا بتوانند بشنوند.
 - نذیر لازم نیست حتماً رسول باشد یعنی نذیر ممکن است رسول باشد، ممکن است نباشد. مثال: در قوم حضرت یونس، حضرت یونس که رسول است مجبور می‌شود از قوم برود اما نذیر در آن قوم آنها را زنده می‌کند.
 - حتماً خدا سر راه آدم‌ها نذیرهایی را قرار می‌دهد تا حرف‌هایی را بزنند تا آن آدم‌ها زنده شوند.
- جمع‌بندی این دسته از آیات:

- ۱- در عالم هستی برایمان افق بلندی تعیین کرده‌اند، بنابراین نباید به کمتر از این راضی شویم.
 - ۲- ما هنوز وارد حوزه‌های بالا نشده‌ایم. ابتدا باید ترس از جهنم زندگی ما را فرا گیرد. سپس طمع بهشت داشته تا به خود خدا برسیم.
- باید در عبادات استمرار داشته باشیم تا یقین حاصل شود. یقین حاصل عمل است.

رنگ دوم:

- حضرت علامه آیات ۲۷ تا ۳۸ را دسته پنجم دانسته‌اند:

دسته پنجم آیات ۲۷ تا ۳۸:

<p>أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيضٌ وَ خُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَ غَرَابِيبُ سُودٌ (۲۷)</p> <p>آیا ندیدی که خدا از آسمان، آبی فرستاد و بدان میوه‌هایی با رنگ‌های گوناگون پدید آوردیم؟ و برخی از کوه‌ها [و سنگ‌ها] دارای خطوط [و رگه‌هایی] سفید و سرخ به رنگ‌های مختلف و [گاه] به رنگ کاملاً سیاه هستند.</p>
<p>وَ مِنَ النَّاسِ وَ الدَّوَابِّ وَ الْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ (۲۸)</p> <p>و از انسان‌ها و جنیندگان و چهارپایان نیز همان طور رنگ‌هایشان گوناگون است. از بندگان خدا تنها عالمان از او می‌ترسند. آری، خداوند شکست ناپذیر آمرزنده است.</p>
<p>إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُورَ (۲۹)</p> <p>به یقین کسانی که کتاب خدا را تلاوت می‌کنند و نماز برپا داشته و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم در نهان و آشکار انفاق کرده‌اند، به تجارتی امید بسته‌اند که هرگز زوال نمی‌پذیرد.</p>
<p>لِيُؤْتِيَهُمْ أَجُورَهُمْ وَ يَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ (۳۰)</p> <p>تا [خدا] پاداششان را به طور کامل به آنها بدهد و از فضل خود بر ایشان بیفزاید که او آمرزنده‌ی قدرشناس است.</p>
<p>وَ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ إِنَّ اللَّهَ بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ (۳۱)</p> <p>و آنچه را از کتاب به سوی تو وحی کردیم، خود حق و تصدیق‌کننده‌ی [کتاب‌های] پیش از آن است. قطعاً خدا نسبت به بندگان‌اش آگاه و بیناست.</p>
<p>ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَ مِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَ مِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ بإِذْنِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ (۳۲)</p> <p>سپس این کتاب را به کسانی از بندگان خود که برگزیدیم به میراث دادیم که از آنها برخی بر خود ستمکارند و برخی میانه‌رو، و گروهی به اذن خدا در نیکی‌ها پیشگامند. این همان فضیلت بزرگ است.</p>
<p>جَاءَتْ عَادٌ يَدْعُونَ نَارَهُمْ يَخْلُونَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَ لُؤْلُؤًا وَ لِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ (۳۳)</p> <p>بهشت‌های جاویدانی که در آن وارد می‌شوند. در آن جا با دستبندهایی زرین و مروارید زیور می‌یابند، و در آن جا جامه‌شان حریر است.</p>

و قَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ (۳۴)

و گویند: سپاس خدایی را که اندوه را از ما برد. به راستی پروردگار ما آمرزنده و قدردان است.

الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمَقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نُصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ (۳۵)

خدایی که ما را به فضل خویش در این سرای ماندنی [و جاویدان] در آورد که در آن جا نه رنجی به ما می‌رسد و نه خستگی.

و الَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ لَا يُقْضَىٰ عَلَيْهِمْ فَيَمُوتُوا وَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ مِنْ عَذَابِهَا كَذَلِكَ نَجْزِي كُلَّ كَفُورٍ (۳۶)

کسانی که کافر شدند، آتش جهنم برای آنهاست. نه بر آنها حکم شود تا بمیرند، و نه عذاب آن از ایشان کاسته شود. [آری] این چنین هر کفر پیشه‌ای را عقوبت می‌کنیم.

و هُمْ يُصْطَرِحُونَ فِيهَا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ أَوْ لَمْ نُعَمِّرْكُم مَّا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَنْ تَذَكَّرَ وَ جَاءَكُمُ النَّذِيرُ فَذُوقُوا فَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ (۳۷)

و ایشان در آن جا فریاد بر می‌آورند: پروردگارا! ما را بیرون بیاور، تا غیر از آنچه می‌کردیم، کار شایسته کنیم. [گفته شود: آیا شما را چندان عمر ندادیم که هر که پندپذیر است در آن مدت پند گیرد؟ و شما را هشدار دهنده هم آمد. پس بچشید که برای ستمگران یآوری نیست.

إِنَّ اللَّهَ عَالِمُ غَيْبِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۳۸)

خداست که دانای نهان آسمان‌ها و زمین است، و اوست که به راز دل‌ها آگاه است.

- این دسته از آیات (۲۷ تا ۳۸)، آیات بسیار مهمی دارد.

- «مختلف بودن لون» آنقدر مهم است که در آیات ۲۷ و ۲۸ سه بار تکرار شده است.

- «ثمرات»، «کوه‌ها»، «از مردم و جنبنندگان» در رنگ‌های مختلف هستند.

- عالم وقتی تفصیل عالم را می‌بیند، چون می‌فهمد تدبیر واحدی اینقدر تفصیل ایجاد کرده، طبیعتاً در برابرش «خشیت» پیدا می‌کند.

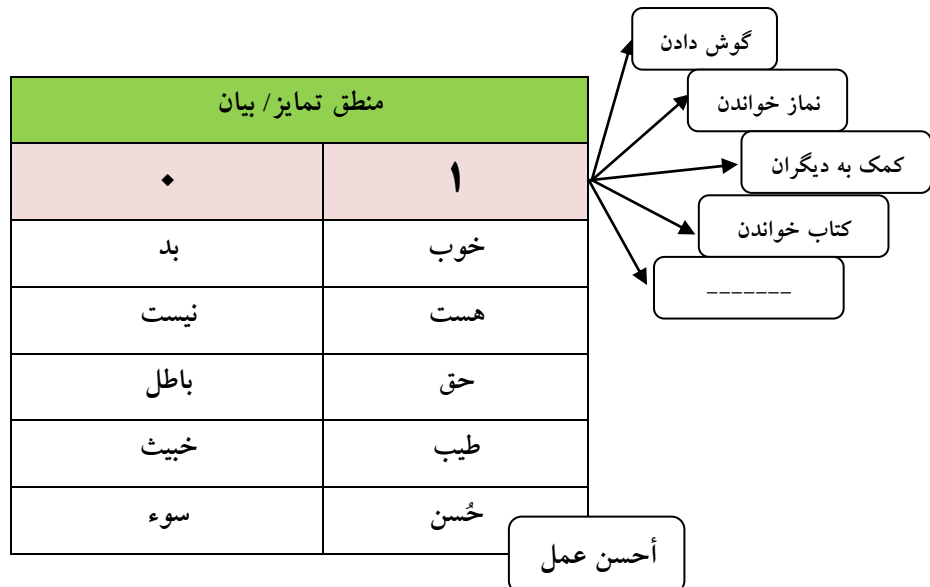
- به اندازه‌ای که عالم بتواند موضوع را تفصیلی ببیند، خشیتش عمیق‌تر می‌شود.

- «تمایز» این است که انسان در یک منطق صفر و یک، بین خوب و بد، هست و نیست و ... فرق قائل است.

- باید در انسان‌ها «تمایز» نصب شود تا مسیر رشد را طی کنند.

- اگر فرد بخواهد در کارها خوب‌ها، طیب‌ها، حق‌ها، حُسن‌ها و ... را انجام دهد دیگر منطق صفر و یک نیست بلکه طیف دارد.

- یعنی کارهای خوب ما تنوع بسیار داشته و انواع رنگ وجود دارد.



- بنابراین دو محور در زندگی انسان لازم است: ۱- منطق صفر و یک (منطق حق و باطل) ۲- منطق فازی (منطق خیر و شر).

- رشد و تعالی در انسان زمانی حاصل می‌شود که این منطق‌ها هر دو فعال باشد.

- آغاز ایمان انجام خیر، حُسن، طیب و ... است اما اصلِ ایمان که خدا از ما می‌خواهد این است که خیرترین، حُس‌ترین، طیب‌ترین و ... را انجام دهیم.

- «منطق حق و باطل» با «انذار» فعال می‌شود که به فعال‌کننده آن «مُنذر» گویند و منطق خیر و شرّ با علم فعال می‌شود که به فعال‌کننده آن «عالم» گویند.

- انسان فطرتاً منطق حق و باطل را تشخیص می‌دهد اما منطق خیر و شرّ احتیاج به علم همه جانبه دارد.

✓ منطق حق و باطل (۱) انذار/ منذر

✓ منطق خیر و شرّ (۲) علم/ عالم

- «انذار» فهم تمایز را ایجاد می‌کند و «علم» تمایز را در تمامی شئون زندگی فرد جاری می‌کند.

- بسیاری از افراد به منطق حق و باطل می‌رسند اما به منطق خیر و شرّ نمی‌رسند یعنی می‌دانند که باید کار خوب انجام دهند اما نمی‌توانند کار خیر را در زندگی تفصیل دهند. به همین علّت علماء در جامعه مهم می‌شوند. جامعه به علماء نیاز دارد تا بتوانند حقایق مورد پذیرش انسان‌ها را در زندگی جاری کنند.

- بر اساس روایتی از امام صادق (ع) از کتاب البرهان در باب توضیح آیه ۲۸، مراجعه به علماء مهم است و به واسطه علماء این موضوع می‌تواند تحقق پیدا کند، زیرا علماء واسطه می‌شوند تا عباد بتوانند در تمامی شئون زندگی نسبت به حقایق الهی خشیت داشته باشند.

- رسول‌الله (ص): «عالم بین جاهلان مانند زنده است بین اموات. پس بروید علم کسب کنید. علم سبب بین شما و خدای عزوجل است. طلب علم واجب است بر هر مسلمانی». زیرا عالم است که امکان جاری شدن حق در جامعه را ایجاد می‌کند و گرنه جامعه مرده است.

- تعریف علم بر اساس سوره مبارکه فاطر: علم حقیقی است که چگونگی جاری کردن حق را در شئون مختلف زندگی به تفصیل برای انسان روشن می‌کند.

- جمع بندی این دسته از آیات:

- ای کسانی که وارد حوزه ایمان شده‌اید نباید صرفاً برایتان منطق حق و باطل مهم باشد بلکه باید منطق خیر و شرّ نیز مهم باشد. نباید فقط خوردن غذای حلال مهم باشد بلکه این‌که چه غذای طیبی خورده شود نیز باید مهم باشد. باید بهترین غذای طیب خورده شود و ...

- هر کس باید در جامعه در زمینه‌ای متخصص و عالم شود. اینگونه در جامعه همه مؤمنین امام متقین هستند هر کس در زمینه‌ای که تخصص دارد امام بقیه است. اینگونه همه عبادالرحمان امام متقین هستند.

- آیه ۳۲: این آیه بسیار آیه بی‌نظیری است. این آیه درباره آدم‌های بد سخن نمی‌گوید بلکه درباره آدم‌هایی که در منطق حق هستند صحبت می‌کند. این آدم‌ها را به سه دسته تقسیم نموده است:

۱. ظالِمٌ لِنَفْسِهِ: کسانی هستند که منطق خیر و شرّ را انتخاب ننموده‌اند و بی‌حساب عمل می‌کنند.

۲. وَ مِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ: کسانی هستند که منطق خیر و شرّ دارند و بر طبق نظام انتخاب بهترین عمل می‌کنند (اولیاء امت)

۳. وَ مِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ: کسانی هستند که خودشان این نظام بهترین را تولید می کنند و جلودار هستند (اهل بیت)

- یعنی اگر ما مسلمان هستیم و اعتقادات حقه داریم اما بر اساس منطق بهترین زندگی نمی کنیم «ظالم لنفسه» می شویم که یک سری از فیوضات الهی را از خودمان دور می کنیم و قطعاً یک سری از فیض ها به ما نخواهد رسید.

- آیه ۳۲ بیان می دارد که ما وارثان قرآن هستیم. عباد در این آیه عام است و منظور کسانی هستند که به آنها کتاب نازل شده است.

- آیه ۳۳: توصیفات بهره مندی هر کدام از سه دسته بالاست. این افراد به اندازه ای که انتخاب بهترین برایشان مهم است در بهشت از نعمت ها بهره مند می شوند و از فضل خدا پوشانده می شوند.

- آیه ۳۴: هر حزنی در قیامت از دل نورانی و با برکت این افراد برداشته می شود. ار هر کس به اندازه ای که «سابقٌ بِالْخَيْرَاتِ بودن» برایش مهم است، حزن برداشته می شود.

- نتیجه بسیار مهم: خداوند به عملی می گوید «عمل صالح» که از هر دو منطق برخوردار باشد. لذا اگر کسی در اعمالش از هر دو منطق بهره نبرد، او بالا نخواهد رفت.

دسته ششم (آخر) آیات ۳۹ تا ۴۵:

- حضرت علامه آیات ۳۱ تا ۵۴ (انتهای سوره) را یک دسته در نظر گرفته اند.

هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَ لَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ إِلَّا مَقْتًا وَ لَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ إِلَّا خَسَارًا (۳۹)
اوست که شما را در این سرزمین جانشین گردانید. پس هر که کافر شود کفرش به زیان اوست، و کافران را کفرشان جز خشم و بیزاری نزد پروردگارشان نمی افزاید، و کافران را کفرشان غیر از زیان نمی افزاید.

قُلْ أَرَأَيْتُمْ شُرَكَاءَكُمُ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَا ذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَاوَاتِ أَمْ آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا فَهُمْ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْهُ بَلْ إِنْ يَعِدُ الظَّالِمُونَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا إِلَّا غُرُورًا (۴۰)

بگو: به من خبر دهید از شریکان خودتان که به جای خدا می خوانید به من نشان دهید که چه چیزی از زمین را آفریده اند، و یا آنها را در [کار] آسمان ها مشارکتی است، یا به ایشان کتابی داده ایم که از آن دلیلی بر [حقانیت] خود دارند؟ [هیچ کدام نیست] بلکه ستمکاران یکدیگر را جز فریب وعده نمی دهند.

إِنَّ اللَّهَ يُمَسِّكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ أَنْ تَزُولَا وَ لَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ خَلِيمًا غَفُورًا (۴۱)
همانا خدا آسمان ها و زمین را نگاه می دارد که فرو نریزند، و اگر [به اذن او] فرو ریختند، بعد از او هیچ کس آنها را نگاه نمی دارد. اوست بردبار آمرزنده.

وَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَيَكُونُنَّ أَهْدَىٰ مِنَ الْإِذْيِ الْأُمَمِ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَا زَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا (۴۲)
و [مشرکان] با سوگندهای سخت خود به خدا سوگند یاد کردند که اگر بیم رسانی برای آنها بیاید، قطعاً راه یافته تر از هر امتی خواهند بود، ولی چون بیم رسانی برایشان آمد، جز بر رمیدنشان نیفزود.

اسْتِكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَ مَكْرَ السَّيِّئِ وَ لَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِالْهَلِكِ فَعَلَمَا يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّنْتَ الْأُولَىٰ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَ كَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا (۴۳)
[زیرا انگیزی آنها] گردنکشی در زمین و نیرنگ زشت بود، و نیرنگ زشت جز دامن صاحبش را نگیرد. پس آیا جز سنت [و سرنوشت شوم] پیشینیان را انتظار می برند؟

أ وَ لَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِنْ شَيْءٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَ لَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا (۴۴)

آیا در زمین نگریدند تا عاقبت [کار] کسانی را که پیش از ایشان بودند و نیرومندتر از آنها بودند بنگرند؟ و هیچ چیز، نه در آسمان ها و نه در زمین خدا را ناتوان نمی سازد، چرا که او دانای تواناست.

وَ لَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَى ظَهْرِهَا مِنْ دَابَّةٍ وَ لَكِنْ يُؤَخَّرُهُمْ إِلَىٰ آجَلٍ مُسَمًّى فِإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا (۴۵)
و اگر خدا مردم را به [سزای] آنچه انجام داده اند مؤاخذه می کرد، هیچ جنبنده ای را روی زمین باقی نمی گذاشت ولی تا مدتی معین مهلتشان می دهد، و چون

آیه ۳۹: انسان‌های زیادی قبل از شما در این زمین زندگی می‌کرده‌اند و بعد از شما هم انسان‌های زیادی زندگی خواهند کرد و شما مدتی در این دنیا مهمان هستید.

- فَمَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ: پس هر کس که در این مدت دنیا، کفر کرده است، کفرش گردن خودش است. نه شما عواقب گذشتگان را می‌کشید و نه آیندگان عواقب شما را خواهند کشید.

- وَ لَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ إِلَّا مُتَنَاءً وَ لَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ إِلَّا خَسَارًا: اگر انسان بخواهد غیر از این سیستم زندگی کند، جز کفر نصیبش نخواهد شد.

- آیه ۴۰: از ابتدا موضوع عبادت غیر خدا نکردن بود. موضوع، تمایز قائل شدن بین خدا و غیر خداست. آیا آدم‌های غیر خدا می‌توانند چیزی را خلق کنند. آیا آنها شریک در آسمان‌ها و زمین‌اند. آیا کتابی داده شده که در آن نوشته شده که غیر از خدا می‌تواند کاری کند؟

- آیه ۴۱: مشرکان فقط گول همدیگر را می‌خورند و هیچ نظام و سیستمی ندارند. این نظام حق پیوسته و مستحکم و بی‌نظیر است. خدایی که آسمان‌ها و زمین و تمام اجزاء عالم را نگه می‌دارد، فقط شایستگی دارد که نظام زندگی ما را نیز رقم بزند و تمام اجزاء آن را نگه دارد.

- اگر کفر کردی ولی خدا زندگیتان را از هم نپاشید، چون خدا خیلی حلیم و صبور است.

- آیه ۴۱: انسان‌ها همیشه قسم می‌خورند که اگر کسی به ما گفته بود، آنگاه ما گول نمی‌خوریم، والله آنها دروغ می‌گویند. چون در حال حاضر هم گزاره‌های حقی دارند ولی باز هم به آن عمل نمی‌کنند. به همین علت خدا می‌گوید: اگر نذیر هم آید جز اینکه بر نفرت و مقابله و عناد اینها اضافه شود، اتفاق دیگری نمی‌افتد.

- آیه ۴۳: مشکل اصلی این است که انسان‌ها در این مورد «استکبار» دارند. خدا مدت زمانی به طور محدود به ما اختیار داده است تا کار خوب انجام دهیم ولی در همین مدت محدود هم به استکبار در روی زمین راه می‌روند.

- به جای انجام کار خوب و احسن به این می‌اندیشند که چگونه کار بد کنند. (مکر سیئه)

- شک نکنید که مکر سیئه به اهلش برمی‌گردد. زیرا سنت خدا تغییر نمی‌کند و سنت خدا این است که مکر سیئه به خود فرد برگردد و هیچ اثری هم در عالم نمی‌گذارد.

- آیه ۴۴: در زمین بگردید، افرادی بوده‌اند که از دنیای استکبار امروز بسیار قوی‌تر بوده‌اند و به نسبت زمان خود تسلط زیادی بر ضعفایشان داشتند ولی هیچ چیزی نمی‌تواند خدا را به عجز در آورد (وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِنْ شَيْءٍ)

- آیه ۴۵: خدا در قیامت احدی را ذره‌ای بیشتر از آنچه کرده است، عذاب نخواهد کرد. (وَ لَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَى ظَهْرِهِمَا) اما خدا به انسان‌ها تا یک اجل مسمایی وقت داده است شاید در این مدت برگردند (إِنْ دَابَّهٖ وَ لَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ

مُسْمًى) ولی وقتی اجل آمد خدا همه چیز را می‌داند (فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا)

- سخن سوره مبارکه فاطر این است که:

انسان اجلی دارد تا در این مدت اجل، أحسن عمل به منطق «حق و باطل» و «خیر و شرّ» در وجودش جاری شود تا موجب رفعتش شود. ما اجلی داریم که باید در مدت این اجل عمل صالح انجام دهیم تا ما را رفعت دهد و همنشین «سابق بالخیرات» شویم.

- این سوره حمد لازم برای تفصیل لازم برای أحسن عمل است.
- این سوره «جنبه علمی» أحسن عمل را به ما می‌دهد. البته خدا در این سوره به جای أحسن عمل «عمل صالح» بیان کرده است.
- سطح عمل صالحی که خدا بیان می‌دارد بسیار بالاست زیرا خدا به عملی که همه چیزش سر جایش باشد، «عمل صالح» می‌گوید.

- * سوره مبارکه فاطر نظام معرفتی‌ای را برای انسان ایجاد می‌کند که همواره بهترین عمل را شناخته و بر اساس آن عمل کند.
 - * این سوره شناخت ایجاد می‌کند و علم‌پرور است.
 - * این سوره انسان را «عالم» می‌کند یا «تابع عالم».
 - * خشیتی عالمانه در انسان ایجاد می‌کند.
 - * به انسان قدرت تفصیل می‌دهد به طوری که بتواند همه چیز را رنگی ببیند.
- البته این سوره وجوه متعدد بسیار دیگری هم دارد که انسان هر چه بیشتر در آن تدبر کند، بهره بیشتری می‌برد.

یا رسول الله دست ما را بهم بگیر،

اللهم صل علی محمد و آل محمد و الحمد لله رب العالمین